



 **The Codicology of Prose Epic of Piltan-Nāmeḥ, Narrated**

By Abd-Al-Raḥmān Marāḡī

  Milad Jafarpoor¹

Submitted: 2024-06-27 Revised: 2024-07-17 Accepted: 2024-08-05 Published: 2026-03-21 pp.22-48

Abstract

Persian prose epics are an independent literary movement in the history of Iranian literature, which, despite their ancient background, rich content, coherent structure, variety and high number, have not been able to have a place of prestige like verse epics, so they have not been introduced as they should be. Piltan-Nāmeḥ is one of the stories of the mentioned literary movement, which was probably written by a storyteller named “Abd-Al-Raḥmān Marāḡī” at the end of the 9th century of AH. In this research, it was tried for the first time to examine the only existing manuscript of Piltan-Nāmeḥ written on the date of 972 A.H. After the preface, in two parts, in a descriptive-analytical way, first, the codicology features of Piltan-Nāmeḥ have been examined, and then a report of its textual criticism characteristics are presented in seven parts. Since Piltan-Nāmeḥ is very old and relatively rich in content, and the identity of its Āḡarbāyjān narrator is also known, it can be considered a valuable source in compiling the history of Persian prose epics and providing significant data for researchers.

Keywords: Prose Epics, Abd-Al-Raḥmān Marāḡī, Piltan-Nāmeḥ, Codicology, Textual characteristics.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](#), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



¹.Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Faculty of Literature & Humanities, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Khorasan Razavi Province. Iran. m.jafarpoor@hsu.ac.ir



References

- Dānīshpajūh, Mohammad Taghi (1348/1969). *Catalogue of microfilms of the Central Library of the University of Tehran*, Tih-rān: Inti-šārāt-i Dān-šgāh-i Tih-rān.
- Ethe, Ernest & Sachau, Eduard (1889). *Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu manuscripts by Bodleian Library*, part 1, Oxford: Clarendon Press.
- Jāhed, Parviz (1380/2001). «Fīrūzšāh», *An Encyclopaedia of Persian Literature in Subcontinent*, supervised by Hassan Anoushe, Vol 4 / part 3, 1st pub, Tih-rān: Printing and publishing organization of Minister of Culture and Islamic Guidance.
- Marāga, Abd-Al-Raḥmān (972 AH / 1565). *Manuscript of Dāstān-i Pīltan va-Pīlkan*, shelf mark: MS. Ouseley Add. 1, 171 ff, Bodleian Libraries, University of Oxford.
- Sattāri, Rezā & Somayeh Sāddāt Tabātabāie & Seyed Hosein Tabātabāie (1399/2021). A textual-textural analysis of "Firoozshah Badakhshani's folktale" based on Peter Gillette's method, *Journal of Prose Studies in Persian Literature*, Vol 23, Issue 48, pp: 75-97. DOI: 10.22103/JLL.2021. 16526.2839
- Tarbiāt, Mohammad Ali (1314/1935). *Dānešmandan E Azerbaijān*, Tih-rān: National Consultative Assembly.

نسخه‌شناسی حماسهٔ منثور پیلتن‌نامه، به روایت عبدالرحمن مراغی میلاذ جعفرپور^۲  

از صفحه ۲۲ تا صفحه ۴۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده

حماسه‌های منثور فارسی، جریان ادبی مستقلی در تاریخ ادبیات ایران به شمار می‌آیند که برخلاف پیشینهٔ بسیار، محتوای غنی، ساختار منسجم و تنوع و تعددشان نتوانسته‌اند به مانند حماسه‌های منظوم، محلی از اعتبار داشته باشند، لذا چنان‌که باید به معرّفی و احصای آن‌ها پرداخته نشده است. پیلتن‌نامه یکی از روایت‌های جریان ادبی یاد شده است که داستان‌پردازی با نام «عبدالرحمن مراغی» آن را به احتمال در اواخر قرن نهم هجری تألیف کرده است. در این پژوهش برای نخستین بار کوشیده شد تا بر پایهٔ مطالعهٔ تنها دست‌نویس موجود پیلتن‌نامه به تاریخ تحریر ۹۷۲ ق پس از پیشگفتاری، در دو بخش به روش توصیفی-تحلیلی، نخست وجوه نسخه‌شناختی پیلتن‌نامه بررسی شده و سپس گزارشی از مشخصات متن‌شناسی آن در هفت پاره به دست داده شود. از آن جایی که پیلتن‌نامه قدمتی قابل ملاحظه و محتوایی نسبتاً غنی دارد و هم‌چنین هویت راوی آذربایجانی آن نیز شناخته شده است، می‌تواند در تدوین تاریخ حماسه‌های منثور فارسی و ارائهٔ داده‌های قابل توجه برای پژوهشگران، منبع ارزشمندی محسوب شود.

کلیدواژه‌ها: حماسهٔ منثور، عبدالرحمن مراغی، پیلتن‌نامه، نسخه‌شناسی، مشخصات متنی.

Cite this article: Cite this article: Jafarpour Milad. (2025). The Codicology of Prose Epic of Piltan-Nāmeḥ, Narrated By Abd-Al-Raḥmān Marāḡī. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR)(In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). Vol-5, Issue-1. 22-48. <https://doi.org/10.22034/crc.2024.465085.1152>

^۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه حکیم سبزواری. سبزواری. استان خراسان رضوی. ایران. m.jafarpour@hsu.ac.ir



۱. مقدمه

برخی روایت‌های منثور فارسی به منزله جریانی ادبی در نظر گرفته می‌شوند و به جهت برجستگی بن‌مایه‌های حماسی و عیاری در آن ذیل عنوان حماسه قرار می‌گیرند. روایت‌های منثور فارسی، عنوانی کلی است و بر همه روایت‌های تخیلی سرگرم‌کننده و آموزنده‌ای اطلاق می‌شود که در قالب نظم و نثر به صورت مکتوب یا شفاهی در کنار ادب رسمی یا آمیخته بدان در میان مردم و خواص رواج دارند. حماسه‌های منثور فارسی به آن دسته از روایت‌هایی گفته می‌شود که محتوا و مضمون، سبک نگارش، مخاطبان و شکل ارائه آن‌ها در عین تأثیرپذیری از میراث ادب حماسی و از مشخصات کلیشه‌ای آن‌ها فاصله گرفته و با طرحی تازه و دوران ساز، با طبع و سلیقه عموم مردم هم سازگاری و مطابقت پذیرفته‌اند. حماسه‌های منثور فارسی را باید از داستان‌های عامه‌پسند در تعاریف امروزی جدا کرد؛ داستان‌های عامه‌پسند امروزه به داستان‌هایی اطلاق می‌شود که ساختار و سبک و سیاقی متناسب با رمان‌ها و داستان‌های کوتاه و بلند امروزی دارد و سطح محتوایی آن‌ها تا حد رمان‌های احساسی عاشقانه کم‌مایه‌ای افت پیدا می‌کند؛ اما خواننده آن توده مردم هستند. حماسه‌های منثور فارسی از پیشینه و حافظه تاریخی خوبی برخوردار است و گاه هم‌چون شاهنامه‌های منثور / طومارهای نقالی در بسیاری از بخش‌های مختلف ایران وجه بومی پیدا کرده و عناوین محلی نیز به خود گرفته است. هدف عمده نقل حماسه‌های منثور فارسی، بیشتر ترویج آرمان‌های انسانی و عدالت اجتماعی در شکلی جذاب و پرهیاهو و نیز سرگرمی و تفریح مردم بوده است. در مقایسه با شعر پهلوانی، متوجه می‌شویم که حماسه‌های منظوم مملو از مدح و ستایش افتخارات طبقه مرفه و مسلط جامعه بوده که موجب سرگرمی درباریان می‌شده؛ ولی حماسه‌های منثور اغلب مجالی برای مبارزه عیاران و جوانمردان با ظلم و ستم اشراف و خودنمایی طبقات ضعیف جامعه محسوب می‌شده است، به همین دلیل مایه سرگرمی مردم شهر و روستا بوده و قدمت آن نیز بسیار بیشتر از شعر پهلوانی است.

۱-۱. بیان مسأله

در یک نگاه کلی، حماسه‌های منثور فارسی بر متون شاخصی از قبیل سمک عیار، داراب‌نامه، قهرمان‌نامه، حمزه‌نامه، قران حبشی، ابومسلم‌نامه، مسیب‌نامه، اسکندرنامه و ... اشاره دارد که اغلب از حجمی قابل توجه هم برخوردار هستند. با این حال، داستان‌پردازان به سبب شهرت بسیار برخی از شاهکارهای متنی همین جریان ادبی، کوشیده‌اند تا تحریرات متوسط یا چه بسا کوتاهی نیز از آن‌ها ترتیب دهند. بنابراین حماسه‌های منثور از نظر حجم به سه دسته بلند، متوسط یا کوتاه تقسیم می‌شوند و در این بین، اهم متون پر حجم این جریان شناخته و بعضاً منتشر نیز شده‌اند، اما بسیاری از تحریرات متنی متوسط و کوتاه هم‌چنان ناشناخته



باقی مانده‌اند. در این پژوهش با رویکرد نسخه‌شناختی و متن‌شناسی، یکی از تحریرات متوسط حماسه‌های منثور با عنوان «پیلتن‌نامه» معرفی خواهد شد.

۱-۲. روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی بوده و روش آن توصیفی - تحلیلی است و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین منظور، پس از مطالعه یگانه دست‌نویس حماسه پیلتن‌نامه، ابتدا گزارشی از وجوه نسخه‌شناسی، ظرایف نگارگری و تزیینات و رسم‌الخط دست‌نوشته یادشده ارائه شده است و پس از عرضه چکیده مشروح رویدادهای پیلتن‌نامه، مشخصات متن‌شناسی این روایت در هفت پاره وجه تسمیه، راوی، زمان و مکان تألیف، منشاء پیدایش، ساختار و سبک و زبان بررسی شده است. آن‌گاه با توجه به برآیندهای حاصله، بر اهمیت معرفی پیلتن‌نامه و ظرفیت‌های پژوهشی آن تأکید شده است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

پیلتن‌نامه هم‌چون برخی از دیگر حماسه‌های منثور فارسی تا کنون بر کنار از هر گونه بررسی مانده است و جز از مشخصات بسیار کوتاهی که هرمان آته از این روایت داستانی در فهرست نسخ خطی کتابخانه بادلیان داشته و بعدها همان مختصرگونه نیز توسط دانش‌پژوه در فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران تکرار شده، به گفتار دیگری نمی‌توان اشاره کرد (← آته، ۱۸۸۹: ۴۳۰-۴۳۱؛ دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۸۱/۱).

۱-۴. ضرورت تحقیق

با وجودی که مشخصات کوتاه دست‌نوشته حماسه منثور پیلتن‌نامه برای مدتها در فهرس نسخ خطی ثبت شده، اما هیچ پژوهشی به معرفی این روایت نسبتاً کهن نپرداخته است، طرفه آن که حتی می‌توان ادعا نمود هرمان آته، کارشناس خبره کتابخانه بادلیان نیز دست‌نویس این روایت را به طور کامل مطالعه نکرده، چون دو مرتبه به نام راوی پیلتن‌نامه اشاره شده که آته ابداً این موارد را یادآور نشده است. چندین دهه پیشتر، میکروفیلمی از اوراق دست‌نویس پیلتن‌نامه برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران فراهم آمد و مشخصات آن حتی بدون بررسی دوباره، مختصراً توسط کارشناس کتابخانه ثبت شد (← دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۸۱/۱) و هم‌اکنون تصاویری از نسخه هم در بایگانی آن مرکز به شماره فیلم «۱۲۳۰» موجود است، اما متن این دست‌نویس به جهت سیاه و سفید بودن تصاویر کیفیت قابل قبولی برای مطالعه نداشت، در حالی که وضعیت نسخه و اوراق آن در مجموع مطلوب ارزیابی می‌شد. پس از پیگیری بسیار و به لطف تصاویر رنگی باکیفیت ار سالی کتابخانه دانشگاه آکسفورد، بررسی و خوانش متن روایت محقق شد. از آنجایی که این نسخه، تنها سند کهن و موجود از یک روایت داستانی ناشناخته به شمار می‌آید و از فضای خوش، نام‌راوی ناآشنای



داستان نیز در آن ذکر شده بود، شایسته به نظر رسید که مشخصات نسخه‌شناسی و متن‌شناسی آن تشریح شود.

۵-۱. هدف پژوهش

هدف اصلی جستار حاضر، معرفی روایت داستانی منحصر به فرد و ناشناخته‌ای است که صرف نظر از ارزش محتوایی، خصایص نگارگری و صفحه‌آرایی برجسته‌ای نیز دارد، هم‌چنین ذکر مشخصات راوی آن در سده نهم هجری هم سبب شده تا پیلتن‌نامه از امتیاز ویژه‌ای بهره‌مند باشد، لذا تشریح ابعاد نسخه‌شناسی و متن‌شناسی آن به منزله تمهیدی در شناخت هر چه بهتر آن به شمار رود.

۲. نسخه‌شناسی

در این پاره، به ترتیب ابتدا مشخصات نسخه‌شناختی پیلتن‌نامه ارائه شده، سپس به ارزیابی تزیینات و صفحه‌آرایی آن پرداخته شده و در پایان، رسم‌الخط نسخه تشریح شده است.

۲-۱. مشخصات نسخه

در فهرست نسخ خطی کتابخانه بادلیان، مشخصات دست‌نویس فارسی نفیسی ذیل عنوان «کتاب داستان^۳» در یک جلد، به شماره «MS. Ouseley Add. 1»^۴ ثبت شده است (← اته، ۱۸۸۹: ۴۳۰/۱-۴۳۱). این دست‌نویس به مجموعه سرگور اوزلی^۵، دومین سفیر بریتانیا در ایران تعلق دارد، که در سال «۱۸۵۸ م» برای کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد خریداری شده و اکنون، در همان مرکز نگهداری می‌شود.

جلد دست‌نوشته مذکور در هر دو دقه و به صورت یک‌تکه، از تیماجی به رنگ قهوه‌ای روشن در ابعاد (۱۷/۷۸ × ۴۸/۳۰ سم) فراهم آمده که روی آن ابره‌ای مقوایی به رنگ قهوه‌ای سوخته کشیده‌اند. جلد و ابره این دست‌نوشته فاقد هر گونه آرایش و تزیینات مرسوم دیگری است و زوایای بیرونی هر دو دقه دچار رفتگی شده است. آستری جلد در هر دو دقه از جنس کاغذ ساده دیگر اوراق نسخه بوده و پس از آن پنج صفحه آزاد سفید نیز ترتیب داده شده است. صفحات این دست‌نویس از جنس کاغذ فرنگی نخودی‌رنگی در ابعاد جلد آن فراهم آمده و آثار پراکنده لکه و رطوبت در اغلب حواشی اوراق و جدول متن آن به وضوح مشاهده می‌شود. نسخه توسط کارشناس کتابخانه برگ شماری شده و رقم اوراق در حاشیه فوقانی جدول متن به لاتین نوشته شده است.

^۳. Kitāb-i Dāstān.

^۴. در حاشیه فوقانی صفحه آزاد دوم، دو شماره دیگر نیز مشاهده می‌شود: «Arch.O.c.30»، «G.C.29».

^۵. Sir Gore Ouseley (1770-1844).



متن نسخه به خط نستعلیق خوش و اوضعی، درون فضای اوراقی با جدول چهار تحریره در ابعاد (۹ × ۱۹/۵ سم)، بر مسطر، به تاریخ بیست و پنج شعبان (۹۷۲ ق / ۱۵۶۵ م) در ۱۷۱ برگ (۳۴۲ صفحه) از فضای یک سوم صفحه، ذیل سرلوح تاجی ابتدا به تحریر شده است و هر صفحه از آن به جز [گ ۵۱ - آ - ب / ۱۶ سطر] ۱۷ سطر دارد. متن این دست‌نویس مشتمل بر چهار داستان است که مشخصات آن‌ها به ترتیب عبارت است از: «داستان پیلتن و پیلکن»^۶ [گ ۴ - ب - ۶۹ آ]، «داستان فیروزشاه»^۷ [گ ۶۹ - ب - ۸۴ آ]، «داستان رشک خسروانی»^۸ / هزارگیسو و آزادبخت» [گ ۸۴ - ب - ۱۱۴ آ]، «داستان دختر صلوک، پادشاه زنگبار»^۹ / نبرد امیرالمؤمنین علی (ع) با طلوع الشجر زنگی» [گ ۱۱۴ - ب - ۱۷۱ آ]. از میان روایات برشمرده، «داستان فیروزشاه» تصنیف قریب به احتمال نوزدهوی بیگ شاملو در سده یازدهم ه. ق. (جاهد، ۱۳۸۰: ۴-۳/۲۰۰۲-۲۰۰۳؛ ستاری، ۱۳۹۹: ۷۷) تنها داستانی است که به دلیل نسخ نسبتاً فراوان آن هویتی معلوم دارد، اما مابقی ناشناخته‌اند. از مشخصات کاتب و محل کتابت در ترقیمه‌های هر چهار روایت، جزئیاتی به دست داده نشده است و کاتب تنها یک بار، در انجامه روایت داستانی چهارم [گ ۱۷۱ آ]، به تاریخ تحریر اشاره کرده است.

متن هر چهار روایت تبویب نشده و فاقد هر گونه سرفصلی است و بخش‌بندی کنونی پیلتن نامه به انتخاب ترتیب داده شده است. در متن روایت، سرفصل‌ها، کلمات و ممیزات شنگرف تحریر شده‌اند. اشعار متن به روال نثر نسخه، یکسره‌نویسی شده‌اند و کاتب با علائمی شنگرف میان مصاریع فاصله انداخته است. رکابه صفحات فرد، ذیل جدول متن صفحات زوج، عموماً به صورت یک تا چند کلمه تحریر شده‌اند.

۲-۲. تزئینات

برخلاف ظاهر ساده و بی‌تکلف دقه بیرونی جلد این دست‌نویس، فضای درونی نسخه آراسته به تصاویر خیره‌کننده و جداول نفیس و بسیار قابل ملاحظه‌ای است، بنابراین به نظر می‌رسد که این نسخه خطی بنا بر سفارشی ترتیب داده شده و گلچینی از چند حماسه منثور مستقل، اما جذاب از منظر سفارش‌دهنده است و شایسته بود توصیفی از آن‌ها به دست داده شود:

^۶. Dāstān-i Pīltan va-Pīlkan.

کارشناس کتابخانه بدون مطالعه نسخه، عنوان روایت را به اشتباه نام‌گذاری کرده است، زیرا عنوان صحیح «داستان پیلتن پیلکن» است و لذا «و» زائد است و پیلکن لقب پیلتن است.

^۷. Dāstān-i Fīrūz Shāh. در دست انتشار است.

روایت داستانی فیروزشاه بدخشانی توسط نگارنده در دست تصحیح است.

^۸. Dāstān-i Rashk-i Khusravānī. در دست انتشار است.

^۹. Dāstān-i Dukhtar-i sa'lūk-i Pādishāh-i Zangbār.



یازده مینیاتور تمام صفحه بسیار نفیس و پیچیده در خلال اوراق هر یک از چهار داستان این مجموعه [گ ۱ ب، ۲، ۶، ۱۸، ۵۲، ۷۹، ۹۱، ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۶۸] نقش بسته است.

دست‌نویس یادشده به طور کلی شانزده صفحه آزاد دارد که پنج صفحه سفید از آن در ابتدا قرار گرفته و پنج صفحه سفید دیگر پس از پایان متن نسخه در پی هم فراهم آمده‌اند. پس از پنج صفحه سفید ابتدایی، شش صفحه آزاد آراسته به دو مینیاتور و منقوش به جداول و تزئینات ترتیب داده شده است.

[گ ۱ ب]: در این صفحه، مجلسی از بزم شاهانه در فضای طبیعت، درون جدولی دوتحریره از آب طلا و شنگرف به زیبایی نقش بسته که دو حاشیه پیرامون آن را فرا گرفته است. حاشیه نخست درون جدولی با زمینه تماماً لاجوردی و زنجیره مطّالی قبه‌شکل بیرونی گرداگرد جدول این مجلس را احاطه کرده و درون فضای آن ۱۳ سرترنج لوزی ساده مطّالاً و ۱۳ سرترنج لوزی ساده شنگرف یک در میان کنار هم رسم شده‌اند و فضای خالی میان سرترنج‌ها را چرخش‌های اسلیمی - ختایی سیاه و مطّالاً پر کرده است.

[گ ۲ آ]: در این صفحه که ادامه فضای پیرامونی مجلس [گ ۱ ب] محسوب می‌شود، تصویر پیشکاران، فزاشان، خوان سالاران و مطبخیان پادشاه پیرامون چشمه آب روانی نقش بسته که برخی از شخصیت‌های آن در حال تماشای بزم و برخی دیگر در پی فراهم آوردن آلات و اطعمه خوان هستند و فضای خالی میان هر یک از اشخاص با تصاویر یکی از عناصر طبیعت، چمن، نهالی شکوفه‌دار و گل‌بوته‌های ریز و درشت رنگین، به زیبایی آراسته شده است. دو حاشیه پیرامون جدول اصلی این مجلس را فرا گرفته است. حاشیه نخست درون جدولی با زمینه تماماً لاجوردی طرح شده که به مرور دچار رفتگی شده و به رنگ کاغذ صفحه درآمده و زنجیره مطّالی قبه‌شکل گرداگرد جدول این حاشیه را احاطه کرده و درون فضای آن ۱۳ سرترنج لوزی ساده مطّالاً و ۱۳ سرترنج لوزی ساده شنگرف یک در میان کنار هم رسم شده‌اند و فضای خالی میان سرترنج‌ها را چرخش‌های اسلیمی - ختایی سیاه و مطّالاً پر کرده است.

[گ ۲ ب]: این صفحه تذهیب تمام صفحه‌ای بوده و سراسر زمینه کاغذ آن به نقوش ختایی زرین آراسته بوده است، ولی چون بخش اعظم کاغذ آن وصالی شده، فقط پاره‌ای از فضای پیرامونی میانه صفحه و نقوش ختایی زرین آن پیدا است. در میانه صفحه مذکور، طرح ساده شمسه هشت ضلعی منتظمی رسم شده که از تزئینات آن تنها چرخش‌های اسلیمی - ختایی مطّالی تکمیل شده است. صورت تمام‌شده تذهیب این صفحه در ورق بعدی نقش بسته است.



گ ۳ ا]: این صفحه، تذهیبی تمام‌صفحه است که زمینه کاغذ آن به نقوش ختایی زرین آراسته است. در میانه صفحه، شمسۀ هشت ضلعی منتظم مرصعی از آب طلا رسم شده که سه شمسۀ هشت ضلعی دیگر را نیز درون خود جای داده است با این تفاوت که دو شمسۀ مرکزی به شکل گلی هشت پر رسم شده‌اند. هر شمسۀ به ترتیب زمینه‌ای لاجورد، شنگرف، سیاه و لاکی دارد. سراسر فضای شمسۀ اصلی را چرخش‌های اسلیمی - ختایی مطالایی پوشانده است.

گ ۳ ب]: در این صفحه، تذهیب افتتاحیه تمام‌صفحه‌ای طرح شده که مشتمل بر سه بخش است، دو کتیبه در پیشانی و ذیل، و یک کادر مربع که در بین دو کتیبه قرار گرفته است. هر کتیبه جدولی سه تحریره از شنگرف و لاجورد دارد که زنجیره پهن مطالایی در میانه آن‌ها کشیده شده است. درون کتیبه‌ها از چرخش‌های اسلیمی - ختایی مطالاً در زمینه نخودی‌رنگ کاغذ استفاده شده است. درون هر کتیبه یک ترنج میانی و دو سرترنج پیوسته مثنی به تحریره‌های آب طلا بی فاصله در چپ و راست آن نقش بسته و نیم‌ترنجک‌هایی شنگرف درون ضلع بالا و پایین جدول کتیبه طرح شده‌اند. به ترتیب مصارح مطلع یکی از مثنوی‌های امیر خسرو دهلوی: «سر نامه به نام آن خداوند» و «که خوبانرا بدلها داد پیوند» با لاجورد درون ترنج میانی دو کتیبه بالا و پایین ممتدنویسی شده و درون زمینه مطالای سرترنج‌ها از گردش‌های اسلیمی - ختایی استفاده شده است. درون فضای کادر مربع که جدولی میانی و دو جدول کناری در آن نقش بسته، یک ترنج با سرترنج‌های گل دوپر پیوسته قرار گرفته که بیت: «لصاحبه السّلامه و السّعادة / و طول العمر ما ناحت حمامة: تا زمانی که کبوتر ناله می‌کند صاحبش سالم و شاد و زنده باد» درون آن با لاجورد ممتدنویسی شده است و پیرامون آن را چهار لچکی مطالاً فرا گرفته‌اند و فضای خالی میان آن‌ها را با چرخش‌های اسلیمی - ختایی مطالاً و گل‌های شنگرف پر کرده‌اند. درون هر یک از دو جدول طرفین راست و چپ دو ترنج بازوبندی مطالاً نقش بسته و فضای میانی آن‌ها با گردش‌های اسلیمی - ختایی مطالای متصل به گل‌های شنگرف پر شده است. تذهیب افتتاحیه سه حاشیه دارد: حاشیه نخست جدولی با زمینه سیاه‌رنگ است که هشت کتیبه بازوبندی و هشت ترنجک پیوسته به هم درون آن را پر کرده‌اند و درون کتیبه‌های بازوبندی را با گردش‌های اسلیمی - ختایی متصل به گل‌هایی شنگرف آراسته‌اند. حاشیه دوم درون جدولی با زنجیره مطالای قبه‌شکل، پیرامون جدول اصلی را فرا گرفته است که درون آن ۱۱ نیم‌ترنج با سرترنج‌های پیوسته مطالاً در آن طرح شده و فضای خالی میان نیم‌ترنج‌ها با ۱۳ سرترنج‌های لوزی ساده شنگرف و چرخش‌های اسلیمی - ختایی متصل به گل‌های شنگرف، سیاه و مطالاً پر شده است. حاشیه سوم مشتمل بر طرح گل و بوته‌ای است که در فضای پیرامون لبه بیرونی صفحات نقش بسته است.



گ ۴ آ]: در این صفحه نیز، تذهیب افتتاحیه تمام صفحه‌ای طرح شده که دقیقاً مشابه مورد [گ ۳ ب] است با این تفاوت که درون ترنج میانی دو کتیبه بالا و پایین جدول، بیت دوم همان مثنوی امیر خسرو دهلوی «ز عشق آراست لوح آب و گل را / بدان جان، زندگی بخشید دل را» به لاجورد ممتدنویسی شده است و درون ترنج میانی فضای کادر مربع، بیت: «و عزّ لا یدانیه هوان / و اقبال الی یوم القیامة: و شکوهی که هیچ ذلتی بدان نخواهد رسید و اقبالی که تا روز قیامت خواهد بود» با لاجوردی ممتدنویسی شده است.

گ ۴ ب]: این برگ، صفحه ابتدایی متن نسخه محسوب می‌شود که ذیل جدولی با سرلوح تاجی از فضای یک سوم صفحه ابتدا به تحریر شده است. جدول این برگ، سه کتیبه مستطیلی دارد که سرلوح مطالایی در میانه کتیبه فوقانی با زمینه لاجوردی طرح شده و درون فضای آن مزین به سه سرلوح تاجی دیگر است و سراسر فضای تمامی سرلوح‌ها آراسته به چرخش‌های اسلیمی - ختایی با گل‌های سفید و شنگرف است. در زوایای فوقانی و جانبین زمینه لاجوردی کتیبه فوقانی نیم‌ترنج‌های مطالایی نیز نقش بسته است. درون زمینه سیاه‌رنگ کتیبه افزوده در میانه جدول سرلوح، چهار کتیبه بازوبندی رسم شده و زمینه هر کتیبه مزین به چرخش‌های اسلیمی - ختایی است. کتیبه سوم درون جدولی سه تحریره با نوار زنجیره‌ای مطالاً رسم شده و زمینه‌ای لاجوردی دارد و چهار لچک‌ترنج مطالاً نیز در چهار گوشه کتیبه مشاهده می‌شود. ترنج بازوبندی هشت ضلعی در میانه این کتیبه نقش بسته که عنوان روایت، «داستان پیلتن پیلکن» در آن ممتدنویسی شده است و به فاصله گلی شنگرف، سرترنج‌های مثلثی ساده چهارپری در طرفین چپ و راست آن طرح شده‌اند. فضای خالی زمینه لاجوردی کتیبه و سرترنج‌ها نیز با چرخش‌های اسلیمی - ختایی آراسته شده است.

۲-۳. رسم الخط

رسم الخط نسخه با توجه به دانش و تبخّر خوب کاتب وضعیّت مطلوبی دارد و متن با کمترین میزان اشتباه تحریر شده است به گونه‌ای که در سراسر حواشی اوراق نسخه، هیچ‌گونه یادداشت، تکمله، اصلاح و توضیحی مشاهده نمی‌شود. از نظر گسسته یا پیوسته‌نویسی، رسم الخط نسخه بر فصل معتدلی استوار است. تسامحات املایی و کاربرد حروف متشابه به جای یکدیگر در نسخه نمونه‌های کم‌شماری دارد. از حروف چهارگانه فارسی «پ»، «چ»، «ژ» و «گ» بدون سرکش تحریر شده‌اند.

جز افعال مفتوح به «الف»، نشانه استمراری «می» و «همی» به افعال پیوسته‌اند. به حرف اضافه و تأکید به کلمه پس از خود پیوسته و «ها» از آن‌ها حذف شده است. نشانه مفعولی «را» گاه به پیش از خود پیوسته است. نشانه جمع فارسی «ه» در موارد مختوم به «ه» ادغام شده و در برخی کلمات مختوم به حروف چسبان متصل تحریر شده است. «است» در کلمات پیش از خود ادغام شده و «الف» آن حذف شده است. ضمائر



اشاره «آن» و «این» در برخی موارد به کلمات پسین پیوسته‌اند. نشانه تفضیلی «تر» و «ترین» به کلمات پیش از خود پیوسته‌اند. پسوند نکره یا وحدت «ای» در کلمات به صورت «ه» ضبط شده است: «چاره‌ای / چاره».

حرف نفی «بی» به پس از خود پیوسته است.

۳. متن‌شناسی

از آن جایی که پیلتن‌نامه تا کنون منتشر نشده است و شناخت ادب‌دوستان هم از این روایت، تنها محدود به مشخصاتی بود که در فهرس چاپی یا برخط ثبت شده است، پر واضح است که پژوهش مستقلی هم در بررسی مشخصات و عناصر داستانی آن انجام نشده باشد. پس بایسته آمد تا برای شناخت هرچه بیشتر مخاطب فرهیخته، پس از توصیف چکیده‌ای از پیرنگ و رویدادهای آن، گزارش متن‌شناسی مفصلی هم در دو بخش مشخصات کلی و عناصر داستانی پیلتن‌نامه عرضه شود.

۳-۱. چکیده روایت

در زمان پادشاهی انوشیروان، بهرام چوبین در اردبیل حکمرانی می‌کرد و دختری پهلوان‌بانو و زیبا به نام متینه داشت و شرط کرده بود هر خواستگاری که بتواند پشت متینه را در میدان داری به خاک برساند، موفق به ازدواج با او خواهد شد. حلقل، شاهزاده رومی پس از قهر از پدر، با شنیدن اوصاف متینه به جانب اردبیل آمده و به طور اتفاقی با متینه دیدار می‌کند و با شکست متینه در آزمون کشتی، بی اطلاع بهرام چوبین با متینه پیوند می‌گیرد. پس از مدتی، حلقل بر اثر مرگ پدرش ناچار به روم باز می‌گردد و بعد از تاج‌گذاری، با عنوان قیصر بر تخت می‌نشیند و دوباره ازدواج می‌کند و صاحب فرزند دیگری به نام ربیعا می‌شود. اما در اردبیل پس از چندی متینه وضع حمل می‌کند و صاحب پسری می‌شود، ولی چون متینه از مکافات پدر و برادرانش بیم دارد، احوال پیلتن را بر کاغذی نوشته و او را در صندوقی گذارده، به آب می‌سپارد. گازی صندوق را از رودخانه گرفته و در پرورش و تربیت فرزند می‌کوشد و او را پیلتن نام می‌نهد. پیلتن بعد بلوغ، خود را از گازر بیگانه می‌یابد و در جست‌وجوی حقیقت احوالش، سر به جانب روم می‌گذارد و از اتفاق، با پدرش قیصر در شکارگاهی دیدار می‌کند و پس از دفع حمله پیل دمانی در حضور قیصر، پیلتن به عنوان پیلکن ملقب می‌شود و مدتی بعد، قیصر روزی با مشاهده مه‌ر بازوبند پیلتن از هویت پدرش باخبر می‌شود و این بار، متینه را از بهرام چوبین خواستگاری کرده، او را به روم می‌آورد و در حرم خود جای می‌دهد.

بعد از مدتی، جلاب، پادشاه فرنگ، به خواستگاری شاهدخت حلقل رومی می‌آید و قیصر به دلیل کافرکیشی جلاب با درخواستش مخالفت می‌کند. نبرد بر سر این موضوع، به کشته شدن جلاب فرنگی به دست پیلتن، گریختن فرنگیان از روم و اسارت ربیعا قیصر به دست پیکر بن اسلم و بردن وی به قوسیة فرنگ



می‌انجامد. در پی اسارت ربیعا، پیلتن و غلامش قرطاس برای آزادی وی از راه دریا به قوسیه فرنگ می‌روند. از سویی، پیکر بن اسلم ربیعا را برای مجازات به نزد کپی‌تن، فرزند جلاب، می‌برد، اما خواجه سلیم، وزیر مسلمان کپی‌تن، ربیعا را از زیر تیغ انتقام می‌رہاند و ربیعا در قلعه کام نهنگ به بند کشیده می‌شود. پیلتن و قرطاس پس از سفر دریا، به ساحل فرنگ می‌رسند و بعد از مدتی سرگردانی در بیابان زهرگیاہ، با رهنمونی سرمست قلندر نخست به قلعه قیلاب می‌رسند که به کپی‌تای، برادر کپی‌تن، تعلق دارد و پیلتن در این قلعه دلباخته شمسہ بانو، دختر کپی‌تای می‌شود. برادران کوتوال قلعه قیلاب پس از شنیدن اوصاف عشق دختر کپی‌تای به دفع پیلتن می‌روند، ولی راه به جایی نمی‌برند و با پیلتن هم‌پیمان می‌شوند، مگر فیروزشاه که کپی‌تن را از ماجرا خبر می‌دهد و کپی‌تن از خوف پیلتن، ربیعا را به قلعه کیوانیه می‌فرستد و ربیعا در آن قلعه و پنهان از نظر بهزاد کوتوال، با طرفه بانو، دختر کپی‌تن، عهد عشق می‌بندد، اما قورنگ زنگ بعد از اطلاع از احوالشان آنان را در چاه نسیان قلعه به بند می‌کشد. کپی‌تای نیز به اشاره کپی‌تن و برای دفع پیلتن و رهایی شمسہ بر سر قلعه قیلاب می‌رود. فیروزشاه، یکی از برادران کوتوال، پس از شنیدن خبر کپی‌تای پیش‌دستی کرده و به عیاری شمسہ را ربوده و با خود به لشکرگاه کپی‌تای می‌آورد. کپی‌تای از خطای شمسہ گذشته و این بار او را به تور سمرقندی می‌سپارد تا در قلعه کیوانیه نزد طرفه بانو و ربیعا به بند بکشد. پیلتن در پی یاران به قلعه کیوانیه می‌رود و پس از یاری مکرم و مه‌افروز، شاه‌دخت مه‌لال شاه مغربی، قلعه کیوانیه و چاه نسیان به دست پیلتن فتح می‌شود و یاران در بند رهایی می‌یابند و پیلتن بعد از عقد مه‌افروز با مکرم، قلعه را به آنان می‌سپارد. از سوی دیگر، کپی‌تای به قیلاب می‌تازد، اما با مقاومت یاران پیلتن مواجه می‌شود. با سر رسیدن لشکر قیصر روم و یاری اهل قیلاب، کپی‌تای شکست خورده، از کپی‌تن مدد می‌خواهد. کپی‌تن فرزندانش را به دیر صنعان فرستاده و به کمک برادرش می‌شتابد و جدال طرفین به اوج می‌رسد. پیلتن همراه ربیعا و برای مدد به یاران و قیصر روم به جانب قلعه قیلاب ره‌سپار می‌شود و در مسیر بازگشت به جزیره جبه می‌رسند که توسط ماران تسخیر شده است. پیلتن به برکت مهر نبوت و راهنمایی حضرت سلیمان شاه ماران را به بند می‌کشد و طلسم حضرت سلیمان را نیز برطرف می‌کند و از برای پای‌مزد، دفینه میراث سلیمان بهره پیلتن و یاران می‌شود و پس از آن، به راه خود ادامه می‌دهند و به دیر صنعان می‌رسند و به راهنمایی شاه ماران این دژ مستحکم را هم گشوده و فرنگیان را قتل عام می‌کنند و فرزندان کپی‌تن، مرزوق و عالم‌افروز را اسیر می‌کنند. از طرف دیگر، لشکر قیصر و دلاوران قلعه قیلاب در برابر فرنگیان یک‌یک اسیر شده و در آستانه شکست قرار دارند که پیلتن از راه رسیده و فرنگیان را مغلوب ساخته، به فرار وادار می‌کند. کپی‌تن از مقابله با پیلتن عاجز می‌شود و به قسطنطنیه می‌گریزد و تلاش جمهور عیار نیز برای دفع پیلتن راه به جایی نمی‌برد و در نبردی، کپی‌تای هم به دست پیلتن اسیر می‌شود. کپی‌تن در قلعه قسطنطنیه محصور شده و تلاش پیلتن برای فتح قلعه از طریق



کشتی با اقدام آب‌بازان فرنگ ناکام می‌ماند و قرطاس نیز در دریا غرق می‌شود. پیلتن بار دیگر با کشتی قصد فتح قلعه می‌کند و این مرتبه، آب‌بازان رومی به دریا درآمده و آب‌بازان فرنگ را دفع می‌کنند. متعاقباً پیلتن قسطنطنیه را می‌گشاید و کپی‌تن اسیر می‌شود. پس از تلقین اسلام و عدم پذیرش کپی‌تن، کپی‌تای و مرزوق، هر سه به دار مجازات آویخته می‌شوند. عالم‌افروز به دروغ مسلمان می‌شود و در شبی که قصد انتقام خویشان خود را دارد، گرفتار شده و کیفر می‌بیند. قیصر به پیشنهاد پیلتن، طرفه‌بانو را به عقد ربیعا درمی‌آورد و حکومت فرنگ را به ربیعا می‌سپارد. پیلتن با شمسه‌بانو پیوند می‌گیرد و بر تخت سلطنت روم تکیه می‌زند.

۲-۳. مشخصات

در این پاره، هفت مشخصه داستانی: وجه تسمیه، راوی، زمان و محلّ تألیف، منشاء پیدایش، ساختار، زبان و نوع ادبی در پیلتن‌نامه ارزیابی شده است.

۱-۲-۳. وجه تسمیه

قهرمان محوری روایت، پهلوانی به نام «پیلتن» است، او چون توانست در حضور قیصر روم بر پیلی رم خورده غلبه کرده و آن را از پای درآورد، به «پیلکن» ملقب شد. از طرفی، کاتب عنوان چهار روایت حماسی این دست‌نویس را با قید «داستان» در سرلوحه افتتاحی هر بخش، از یکدیگر متمایز کرده است. لذا عنوان اثر در سرلوحه تنها دست‌نویس موجود این روایت، «داستان پیلتن پیلکن» ثبت شده است.

اما از آن جایی «داستان پیلتن پیلکن» با حجمی قابل ملاحظه و وجهی حماسی، روایتی مستقل محسوب می‌شود، رویکرد علمی ایجاب می‌کند تا مطابق با شیوه مرسوم در نام‌گذاری این قبیل روایات، با افزودن پسوند «نامه» بر سر نام شخصیت اصلی «پیلتن» ضمن رعایت اختصار، هم بر استقلال روایت تأکید شود و هم وجه حماسی آن نمایان گردد که پیشتر به جهت ذکر اصطلاح «داستان» در سایه ابهام قرار گرفته بود، بنابراین عنوان «پیلتن‌نامه» برای روایت برگزیده شد.

۲-۲-۳. راوی

در یگانه دست‌نویس روایت پیلتن‌نامه، دو بار به نام راوی با عنوان «خواجه عبدالرحمن مراغه» و «خواجه عبدالرحمن» اشاره شده است:

«باز آمدیم بر سر داستان شاهزاده پیلتن. راوی این حکایت، **خواجه عبدالرحمن مراغه**، علیه‌الرحمة، چنین روایت کرده است که» [گ ۲۵ ب].

«راوی این روایت، **خواجه عبدالرحمن**، چنین روایت کرده است که: آن دیر خاصه کپی‌تن فرنگی بود و آن را دیر صنعان می‌گفتند» [گ ۴۳ ب].



بر همین اساس، نام راوی «عبدالرحمن» بوده است و می‌توان از نسبت شهری این اشاره هم دریافت که وی «مراغی» بوده و احتمالاً با ترکی آذری نیز آشنایی داشته است، چون محدود کلمات ترکی غیر مستعمل متن و رسیدن سلسله نسب پدری پیلتن به بهرام چوبین نیز این حدس را قوت می‌بخشند. پیشنام «خواجه» در شواهد متنی هم گواه از آن دارد که عبدالرحمن مراغه‌ای احتمالاً از بزرگان علم، هنر و ادب یا سیاست و تجارت بوده است.

از طرفی، دست‌نویس کنونی پیلتن‌نامه درون دفتری متشکل از چهار روایت تحریر شده است و چنان‌که پیشتر نیز اشاره شده، نظر به نفاست و آراستگی دست‌نویس، باید گفت که تحریر کنونی حاصل استنساخ از روی دیگر نسخه‌ها بوده و به گمان بسیار، به حسب سفارشی هم فراهم آمده و کتابت اصیل راوی نیست یا بی‌واسطه از نقل وی املاء نشده است. بنابراین برای تعیین زمان تألیف پیلتن‌نامه، تاریخ کتابت (۹۱۷ ه.ق.) بر کنار از اصالت و درستی لازم است و تاریخ تألیف آن را بنابر دلیلی که پس از این ارائه خواهد شد، احتمالاً بایستی به یک سده قبل‌تر عقب برد.

پس از بررسی کتب تذکره، دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های اعلام مشخص شد که نزدیک‌ترین شخصیت از نظر زمانی و نسبت شهری به عبدالرحمن مراغه‌ای، فرزند موسیقی‌شناس یکی از مشاهیر آذربایجان با نام «نورالدین عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغه‌ای» است. «وی از موسیقی‌شناسان آذربایجان بوده و پدرش، عبدالقادر کتاب جامع‌الاحسان را در تاریخ ۸۱۶ ق به نام وی تألیف نموده است و او هم مقاصد‌الادوار را با موضوع موسیقی به نام سلطان بایزید (۸۸۶-۹۱۸ ق) تألیف کرده است» (تربیت، ۱۳۱۴: ۲۵۴). عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغه‌ای (۷۵۷-۸۳۷ ق) استاد آواز و موسیقی در عهد تیمور گورکانی است، او و خاندانش به زبان و ادب فارسی علاقه‌مند بوده و با وجودی که اهل مراغه بوده‌اند و به ترکی تسلط داشته‌اند، تمامی کتب خود را به زبان فارسی تألیف نموده‌اند و به جای اصطلاحات عربی و ترکی، برابر فارسی آن‌ها ذکر کرده‌اند. عبدالقادر خود شاعر نیز بوده و پاره‌ای از اشعار او با تخلص «عبدالقادر» در مقاصد‌الاحسان ذکر شده است. عبدالقادر سه فرزند با نام‌های «نورالدین عبدالرحمن»، «نظام‌الدین عبدالرحیم» و «عبدالعزیز» داشته است. نظر به اشتغال عبدالرحمن مراغه‌ای به موسیقی، قرینه‌ای در روایت مشاهده شد که مؤید حرفه راوی است و کمتر در روایات داستانی مشاهده می‌شود و آن قرینه بدین شرح است که راوی در انتهای داستان می‌گوید قیصر رومی و پیلتن پیلکن پس از غلبه بر دشمنان، دستور می‌دهند تا سازندگان، نوازندگان، گویندگان و اهل نشاط از عراق عرب و عجم، خراسان و آذربایجان فراهم آیند تا به کار عروسی مشغول شوند. چنین اهمیتی در گرد آوردن اهل بزم آن هم از خراسان و آذربایجان در دیگر متون داستانی مشاهده نمی‌شود و چنین مضمونی گویا برآمده از علاقه و گرایش عبدالرحمن مراغی به موسیقی و نسبت شهری وی بوده است:



«و چون قیصر و شاهزاده پیلتن پیلکن به استیلای هرچه تمام‌تر بر تخت سلطنت و کامرانی قرار گرفتند، امر فرمودند که از عراق عرب و عجم و خراسان و آذربایجان، هر کجا سازنده‌ای و نوازنده‌ای و گوینده‌ای و اهل نشاطی که بود، حاضر آوردند. پس به ساز و یراق عروسی اشتغال نمودند».

هر چند قراین هم‌سانی چون نام و نسبت شهری، موقعیت اجتماعی و جغرافیایی، گرایش به زبان و ادب فارسی و طبع‌آزمایی در شعر می‌تواند تا حدودی مخاطب را به این‌همانی میان دو شخصیت مراغی رهنمون کند، اما تا به دست دادن روشنگری‌های مستند، ادعای چنین امری فعلاً حدسی بی‌پایه است، اما ذکر آن خالی از فایده‌ای نخواهد بود.

۳-۲-۳. زمان تألیف

در انجمنه چهارمین پاره‌ی داستانی دست‌نویس، موسوم به «داستان دختر صلوک، پادشاه زنگبار» [← گ ۱۷۱ آ] کاتب تاریخ‌تحریر را سال ۹۷۲ ق ذکر کرده است، اما مطابق با جزئیاتی که پیش از این ذکر شد، به نظر می‌رسد از آن جایی که دست‌نوشته یادشده گلچینی از چند داستان بوده و به حسب سفارشی‌کتابت، صحافی، تجلید و تزئین قابل ملاحظه‌ای شده و چندین مجلس نگارگری ممتاز برای آن فراهم آمده است، پس طبیعی است که نسخه‌ی کنونی پیلتن‌نامه رهاورد چندباره‌ی استنساخ از دیگر نسخه‌ها بوده است، بنابراین تاریخ کتابت ۹۷۲ ق نسخه‌ی موجود، زمان تألیف اصیل آن قلمداد نمی‌شود و بنا به احتمال، تألیف آن احتمالاً در سده‌ی نهم هجری انجام شده باشد. با این همه، نسخه‌ی تحریر ۹۷۲ ق (سده‌ی دهم هجری) فعلاً تنها سند قضاوت ما در این مقطع زمانی در نظر گرفته خواهد شد.

۳-۲-۴. محل تألیف

کاتب برخلاف جزئیاتی که در رابطه با روز، ماه و سال کتابت دست‌نویس در انجمنه نسخه آورده است، هیچ اشاره‌ای به محل تحریر نسخه نکرده و قراینی هم به دست نداده است که بتوان حدسی در این باره بیان نمود.

۳-۲-۵. منشاء پیدایش

تا لحظه نگارش این سطرها، سندی در اثبات وجود نسخه‌ی دیگری از پیلتن‌نامه به دست نیامده است تا از رهرو آن بتوان به طور دقیق‌تر درباره‌ی منشاء پیدایش این روایت روشنگری کرد، اما از آن جایی که تا کنون روایت پیلتن‌نامه در نسخ جامع‌الحکایات یا منتخبات روایت‌های حماسی دیگر درج نشده است و دیگر اقران آن نیز در همین مجموعه، مثل داستان فیروزشاه بدخشانی، هر یک روایت مستقلاً محسوب می‌شوند و دست‌نویس‌های مجزایی دارند، باید به طور قطع، ادعان داشت که پیلتن‌نامه حماسه‌ی منثور غیر وابسته‌ای به



شمار می‌آید و به نظر می‌رسد که علاوه بر اصالت ایرانی، ریشه کهن‌تری هم داشته باشد و چون فعلاً تحریر بزرگ‌تری هم از آن شناسایی نشده است، پیلتن‌نامه کنونی یگانه تحریر متوسط این داستان محسوب می‌شود.

۶-۲-۳. ساختار

ساختار پیلتن‌نامه به دو بخش مستقل پیش و پس از نبرد پیلتن با فرنگیان تقسیم می‌شود. بخش نخست، گزارش کوتاهی از زیبایی و پهلوانی متینه دختر بهرام چوبین، آزمون وصال او با حلقل رومی و پی‌رفت پیوند ایشان و جدایی ناخواسته و موقت حلقل از متینه، تولد پنهانی پیلتن و رهایی او و پرورش وی به دست گازر، ملاقات پیلتن در روم با قیصر و آوردن متینه از ایران به روم و غلبه پیلتن بر پیل رم‌خورده به دست داده است. بخش نخست پیلتن‌نامه به مثابه تمهیدی است که در پختگی و انسجام روایت مؤثر واقع شده است و راوی به کمک این درآمد، چرخه حضور قهرمان در روایت را کامل کرده و در ضمن آن، شناسنامه هویت وی را نیز متناسب با افق انتظار مخاطب به دست داده و پیلتن را از سایه گمنامی بیرون آورده است، ابهامی که شخصیت‌های محوری بسیاری از حکایات و داستان‌ها بدان گرفتارند، بنابراین پیلتن‌نامه روایتی عامیانه با ساختاری نازل و پیش‌پاافتاده قلمداد نمی‌شود و عبدالرحمن مراغه‌ای به یقین در تألیف این داستان به ساختار حماسه‌های منثور و منظوم فارسی نظر داشته و از آن در ارتقای روایت خود بهره‌مند بوده است.

بخش دوم پیلتن‌نامه که حجم بیشتر روایت را نیز به خود اختصاص داده است، گزارشی از روایتی قیصر روم با فرنگیان به دست داده است. در این بخش، خون‌خواهی فرنگیان از پیلتن و نجات ربیعا از اسارت فرنگیان، زمینه اصلی نبرد طرفین است. هر چند در خلال رویدادها پیلتن و ربیعا به شاهدختان کپی‌تن و کپی‌تای دل می‌بازند، اما این عشق برخلاف پی‌رنگ دیگر حماسه‌های منثور زمینه‌ساز نبرد محسوب نمی‌شود و طبیعی است که نقشی هم در جریان رویدادها ندارد.

۷-۲-۳. سبک و زبان

بر اساس دست‌نوشته کنونی، پیلتن‌نامه برخلاف عموم حماسه‌های منثور فارسی، به ویژه در سده دهم هجری، فاقد بخش‌هایی چون خطبه و دیباچه آغازین مرسوم در تحمیدیّه، نعت و سبب تألیف است که اغلب نثری منشعبانه و آراسته به سجع و جناس دارند، البته این وضعیت ممکن است رهاورد دخل و تصرف کاتبان باشد، چون پیلتن‌نامه روایت مستقلی بوده و راوی آن بی‌شک مقدمه‌ای هم بر نقلش ترتیب داده که بعدها توسط کاتب حذف شده است. باری، پیلتن‌نامه در هیأت کنونی، با گزاره‌ای آغازگر ابتدا شده و نثری ساده و مرسل دارد و گاه البته صورت کهن و غریب برخی واژگان هم در آن مشاهده می‌شود: «آماس، پرتافتن، توشک،



جریده، خون گرفته، شناب کنان، قربان، قندیل، گازر، لوید، نوشین» که در این میان، معدودی واژگان ترکی نیز قابل ملاحظه‌اند: «ترخان، گرک‌یراق، نیلیم، بولدی، یساول».

یکی از مشخصات سبک روان و بی‌تکلف نثر پیلتن‌نامه، کاربرد واژگان متداول و آشنای نظر مخاطبان است، لذا مجموع کلماتی که معنای آن‌ها نیازمند شرح و توضیح است و بیشتر آن‌ها نیز از واژگان عربی پرکاربرد به شمار می‌آیند، به چند ده مورد نمی‌رسد. به عنوان مثال: «اطاقه، اعراض، انهزام، جلاذت، صباخت، مُطوَّق، مُنْقَص». در پیلتن‌نامه جز در برخی مواضع که مربوط به ذکر شهادتین است، عبارت عربی دیگری مشاهده نمی‌شود.

راوی در توصیفات، بیانی موجز و به دور از اطناب دارد. اغلب عبارت‌های متن کوتاه بوده و حذف افعال به قرینه، کمتر در آن مشاهده می‌شود، مگر در برخی مواضع ماضی استمراری یا بعید که گاه در آن فعل کمکی حذف می‌شود:

«در آن موضع بساطی انداخته دید و دختران بر زمین و یسار ایستاده. در آن میان، دختری چون صد هزار نگار نشسته».

از دیگر وجوه ایجاز در نثر پیلتن‌نامه، به کارگیری مقطعی ترکیبات عطفی، بیانی، استعاری، تشبیهی، اضافی، اقترانی و ... در توصیفات است. اما باید در نظر داشت، تنها زمانی که راوی در کاربرد این خصیصه به اعتدال عمل کرده باشد، وجود این قبیل ترکیبات علاوه بر برجسته کردن وجه بلاغی متن و کوتاهی عبارت‌ها، در فشرده کردن تصاویر تأثیرگذار بوده است و اگر نه، گاهی راوی با افراط در استخدام همین گونه ترکیبات، اطنابی غیر منتظره نیز پدید آورده است:

«کپی‌تن را دختری بود عنبرین موی و زیباروی و پاکیزه صورت و نیکوسیرت که ماه شب چهارده از لمعه آفتاب رخسارش شب تیره را روشن‌تر از روز رخشان ساختی و چراغ جهان افروز آفتاب که قندیل پیش طاق سپهر است با پرتو شمع حُسن او تاب نیوردی و زبان زمان در وصف حُسن آن آفت دوران بدین ابیات مترنم بودی».

راوی پیلتن‌نامه به پیروی از سنت شایع در داستان‌سرایی، در خلال متن و متناسب با مضامین و توصیفات که ارائه داده، توجه ویژه‌ای هم به نقل اشعار دارد که خود از نظر تتبع در ادب فارسی حایز اهمیت است، البته گاه بخشی از نثر روایت نیز به صورت منظوم قید شده است. در مجموع، عبدالرحمن مراغی ۳۱۶ بیت در قالب‌های: «غزل، مثنوی، قطعه، فرد و رباعی» در متن به کار برده است که سراینده برخی از آن‌ها مشخص است و برخی دیگر هم نامعلوم‌اند، هم‌چنین نباید احتمال طرف نسبت شدن برگردان منظوم برخی مواضع منثور روایت نیز توسط راوی بعید دانسته شود. عبدالرحمن مراغی هم به مانند سنت اقران سلف خود اشعار را



در خلال موقعیت‌های مختلف و به منظور تأیید، تبیین و تصویرسازی استفاده کرده است، لذا چنان که انتظار می‌رود خود را ملزم ندانسته تا صورت اصلی ضبط اشعار را از دواوین به دست دهد، یا خود را مقید به رعایت قواعد عروض و قافیه کند. پس متناسب با آنچه اقتضا می‌کرده در قالب، واژگان، قوایف و اوزان شعری دست برده و تغییراتی هم اعمال کرده است.

عبدالرحمن مراغی برای تبیین بیشتر توصیفات خود از استعارات و تشبیهات معمول در ادب فارسی که متناسب با فضای داستانی باشد، یاری می‌گیرد و می‌کوشد در برخی توصیفات، مثل طلوع و غروب خورشید جانب وجه ادبی و بلاغی را نگاه داشته و نثری شاعرانه به دست دهد: «بامدادان که کبوتر سفیدبال صبح از آشیان سپهر پر زدن گرفت و زاغ شب عنقا صفت از نظر شخص روز پنهان شد». عموم تشبیهات و استعارات متن محسوس هستند و با موقعیت حماسی یا غنایی همخوانی دارند. برای نمونه، راوی در توصیف عاشق و معشوق هنگام آزمون کشتی، چنین تشبیهی آورده است: «چنان که قاعده باشد جهت کشتی میان را چُست بستند و چون دو شاخ گل بر یکدیگر پیچیدند».

راوی در تلمیحات خود بیشتر به شخصیت‌های سامی، نظیر «آب حیات، ابراهیم، اسرافیل، ایوب، داوود، سلیمان، نوح، یوسف، یونس، یعقوب» توجه دارد، هر چند متناسب با فضای حماسی معدودی اشارات پارسی نیز، مانند «اسفندیار، انوشیروان، بهرام چوبین، فریدون، اسکندر» در روایت مشاهده می‌شوند.

در ادامه به برخی مشخصات قابل ملاحظه زبانی و دستوری پیلتن‌نامه اشاره شده است: جمع فارسی اسم جمع: «با خواصان خود سوار شدم ... تیغ از نیام برکشیده با خواصان در آن خیل افتادم». کاربرد «مر + ... + را»: «ای فرزند، مملکت روم مر توراست».

کاربرد «را» اضافه / فک اضافه: «دختر چون آن بشنید، گفت: ای شهریار، مرا در این گناهی نبود». «شاهزاده را چون چشم بر روی و موی دختر افتاد، دلش در بدن طپیدن گرفت». «اما مرا تدبیری به خاطر می‌رسد». کاربرد «به غایت» برای تأکید: «ای شاهزاده، این کار به غایت مشکل است».

کاربرد «البته» در معنای «به یقین، حتماً»: «آن زنگی البته از آن بالا به زیر خواهد آمد که تو را بسته به بالا ببرد».

کاربرد «اصل» در معنای «اعتبار، فایده»: «شاهزاده بدانست که به جز آن تدبیر، فکر دیگر اصلی نخواهد داشت».

کاربرد «ی» شرط و جزای شرط: «اگر زنده بودی، به معاونت پدر و لشکر اسلام می‌آمدی». کاربرد ضمیر «او» برای غیر ذوی‌الارواح: «و بر فراز آن کوه حصاری دید به غایت سهمناک که او را از سنگ رُخام ساخته بودند و چهل برج بر او مرتب کرده بودند».



کاربرد کسره بدل «از»: «شب و روز به غیر گریه و زاری کاری نمی‌کردم».
 «ی» بدل از کسره: «در این چند روز دختری ماه‌رویی بدین حصار آوردند».
 رعایت سجع در برخی مواضع: «القصه، آن بهادران جگردار در آن شب زنگی کردار خود را بر آن کافران بدکردار زدند».
 «چنان که در فصل بهاران باران که از آسمان باریدن آید، کافران را تیرباران کردند».
 کاربرد فعل جمع برای «هر کس»: «هر کس روی به خوابگاه خود نهادند».
 مفعول مطلق فارسی و ازدواج: «و از لباس هر چه پوشیده بود، بر پیلتن بیوشانید».
 «نسیم عطرش مشام جان روحانیان افلاک را معطر ساختی و بخار بخور عنبرش حله حیات از نو در قالب ساکنان زاویه خاک پوشانیدی».
 حشو و تناقض: «و از هر طرف آب‌های روان به روی آن سبزه‌زار روان مشاهده می‌کردند».
 «ما در شب از کاروان جدا افتاده، بدین راه بی‌راه افتاده ایم».
 کثرت کاربرد «و» ربط: «چون قاصد به پای تخت کپی‌تن رسید و نامه را به وی داد و کپی‌تن نامه را مطالعه کرد و جهان در پیش چشم جهان‌بینش سیاه و تاریک شد و برادر خود، کپی‌تای را طلب داشته، نامه به وی نمود و گفت».
 «آشامیدن» در معنای «خوردن»: «القصه، گوری را شکار کرده، کباب کرد و قدری بیا شامید و راه بیابان پیش گرفت».
 تنوع پیشوندها: «باز پرسید، باز گفت، باز داشت، باز ماند».
 «برآوردن، بر زدن، بر کندن، بر خوردن، برانگیختن».
 «پیش رفتن، پیش طلبیدن، پیش راندن، پیش آوردن، پیش طلبیدن».
 «در ربودن، در بردن، در رسیدن».
 «فرو رفتن، فرو کشیدن، فرو بردن، فرو کوفتند، فرو گرفتن».
 «فرو آمدن، فرود آویختن».
 «سر افتادن، سر کردن، سر دادن، سر آمدن».
 «باکمال، باخبر، باشکوه».
 «بی صاحب، بی‌رحم، بی‌خود».
 «نابکار، ناکام، ناپاک».
 تنوع پسوندها: «رنگین، غمگین».
 «بهشت‌آسا».
 «گنجور، کینه‌ور».
 «آبدار، خبردار».
 «سبزه‌زار، مرغزار، کارزار».
 «شاهانه، شادایانه».
 «دغدغه‌ناک، فرحناک».
 «دوشینه، دفینه».
 «زندانبان، باغبان، فیلبان».
 «دریچه، طپانچه».
 «رخسار، شرمسار».
 «فریدون‌سان».
 «سرنگون، قیرگون».
 «بهره‌مند، خردمند، مستمند».
 «پروانه‌وار، فدایی‌وار».

۴. نتیجه‌گیری

پیلتن‌نامه یکی از روایت‌های منثور ادب حماسی فارسی است و راوی آن، عبدالرحمن مراغی، به احتمال اهل یکی از نواحی عراق عجم و بنا به حدسی آذربایجان در اواخر سده نهم هجری بوده است. عبدالرحمن مراغی به گواه روایت نسبتاً موقفی که ارائه داده است، با فنون داستان‌پردازی و سنت نقل‌آشنایی خوب و نزدیکی



داشته و از میراث جریان ادبی حماسه‌های منثور فارسی بهره‌ها برده است. بر پایه برآیندهای نسخه‌شناختی و ارزیابی تزیینات و صفحه‌آرایی این دست‌نویس، به طور قطع می‌توان گفت که پیلتن‌نامه همراه با سه روایت داستانی دیگر بنا بر سفارش و حمایت مالی یکی از منتقدین سده دهم هجری، گزینش، کتابت و تجلید شده است، اما چون نسخه منحصر به فرد کنونی تنها نسخه شناخته‌شده از این روایت بوده و از روی دیگر دست‌نوشته‌ها مستقل سامان یافته و در یک مجلد تجمیع شده، فعلاً در باب حجم روایت و میزان اصالت آن نمی‌توان داور قاطعی داشت. نثر پیلتن‌نامه سبکی مرسل و ساده‌ای دارد و از مشخصات کهن دستوری و زبانی متن نمی‌توان شواهد چندانی به دست داد. صرف نظر از برخی موارد معدود واژگانی عربی و ترکی، در مجموع راوی یا کاتب نثر جذاب و قابل قبولی ارائه داده که چاشنی کوتاهی عبارات در آن، به درک مخاطب کمک نموده و او را به دنبال کردن رویدادها رهنمون می‌کند.

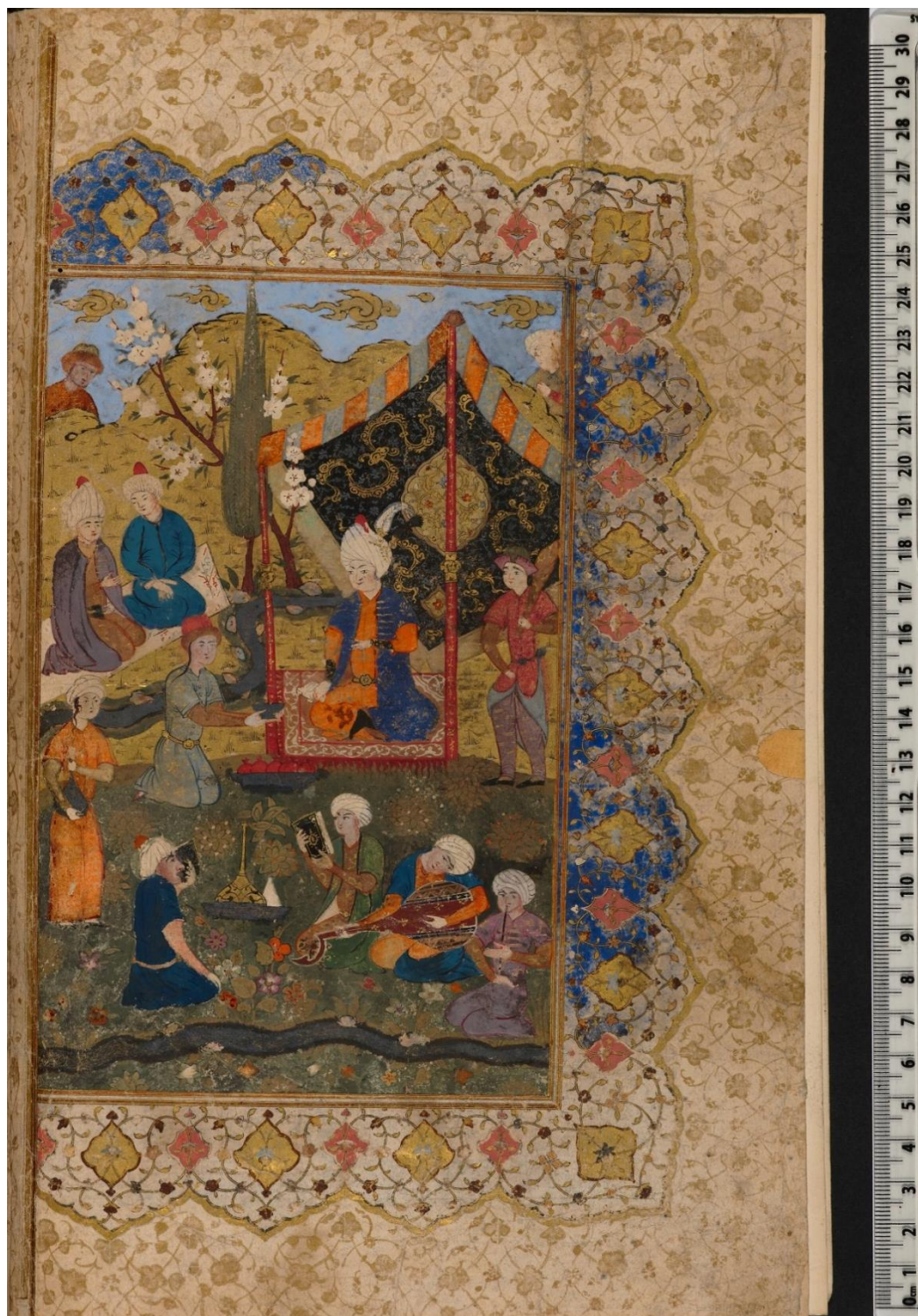
عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

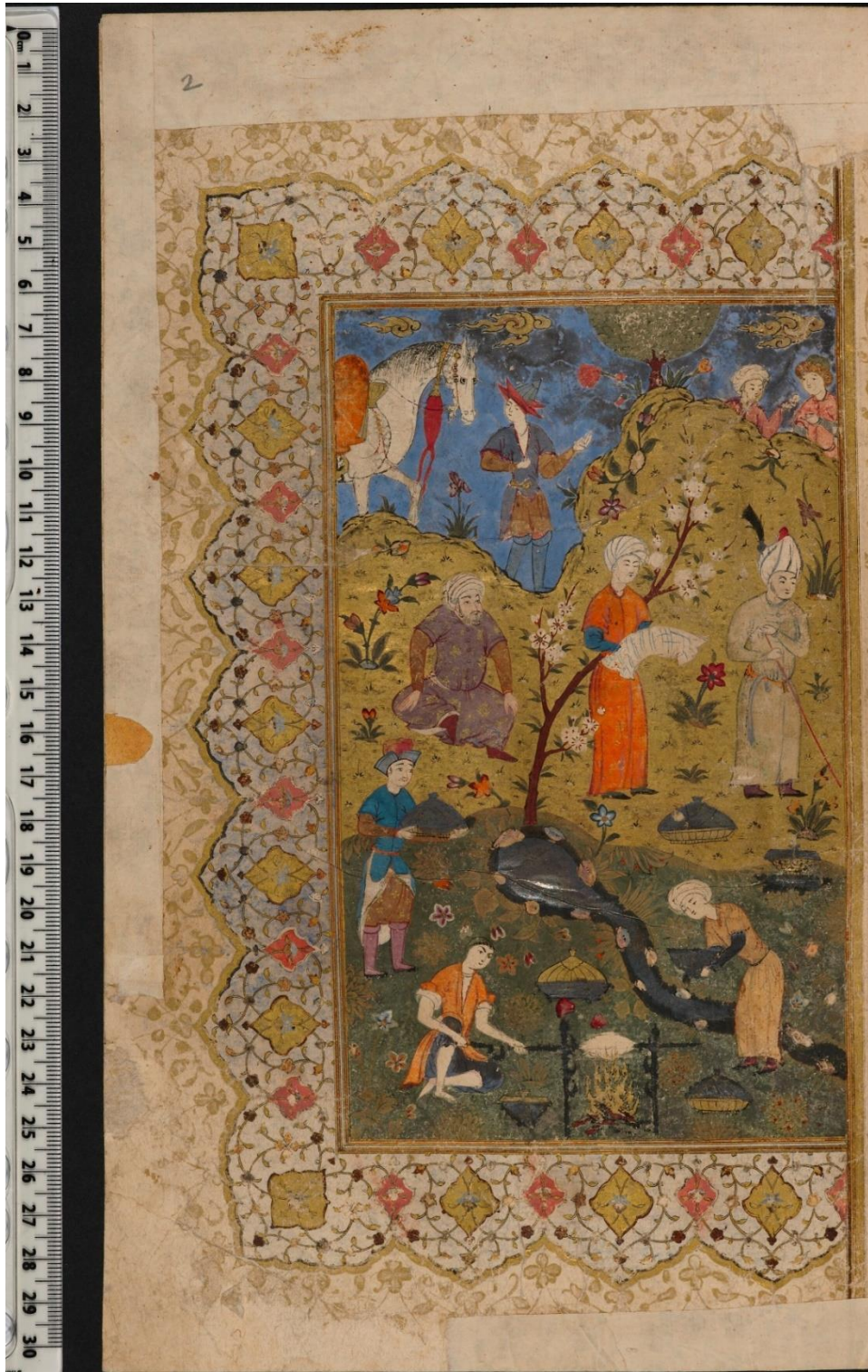


۵. منابع

- تربیت، محمدعلی (۱۳۱۴ ش). دانشمندان آذربایجان، تهران: مطبعه مجلس.
- جاهد، پرویز (۱۳۸۰ ش). «فیروزشاه»، دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره، به سرپرستی حسن انوشه، ج ۴، ب ۳، چ ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸ ش). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- ستاری، رضا، طباطبایی، سمیه‌السادات و طباطبایی، سیدحسین (۱۳۹۹ ش). «تحلیل متن و فرامتن قصه فیروزشاه بدخشانی بر بنیاد الگوی پیتر جیلت»، دوفصلنامه نثرپژوهی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۲۳، ش ۴۸، صص ۷۵-۹۷. DOI:10.22103/JLL.2021.16526.2839
- مراغه، عبدالرحمن (۹۷۲ ق). نسخه خطی پیلتن‌نامه، به شماره MS. Ouseley Add. 1، ۱۷۱ برگ، کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد. (در دست انتشار)



[گ ۱ ب]



[گ ۲]



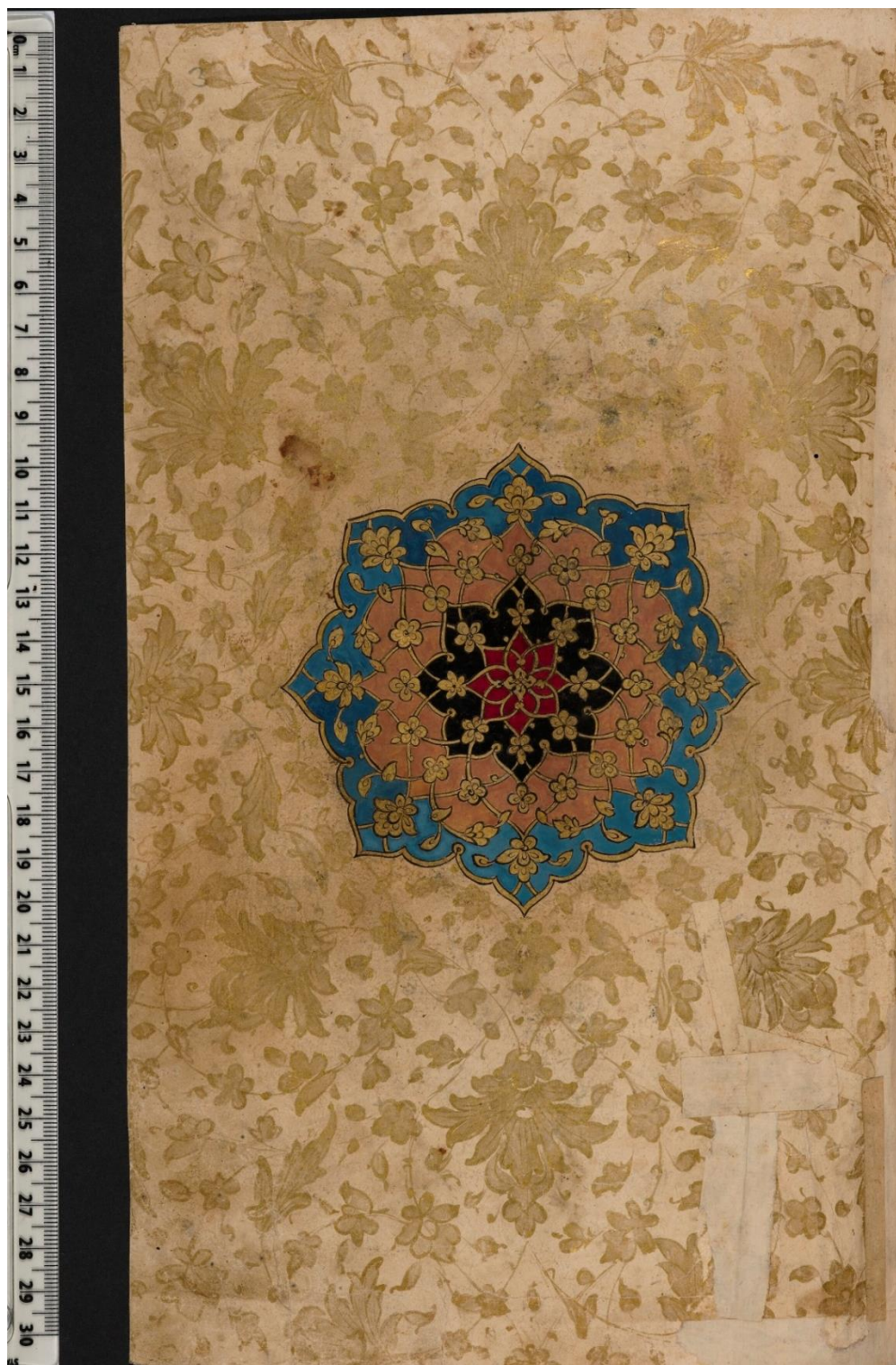
[گ ۲ ب]



مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها



گ ۱۳



[گ ۳ ب]



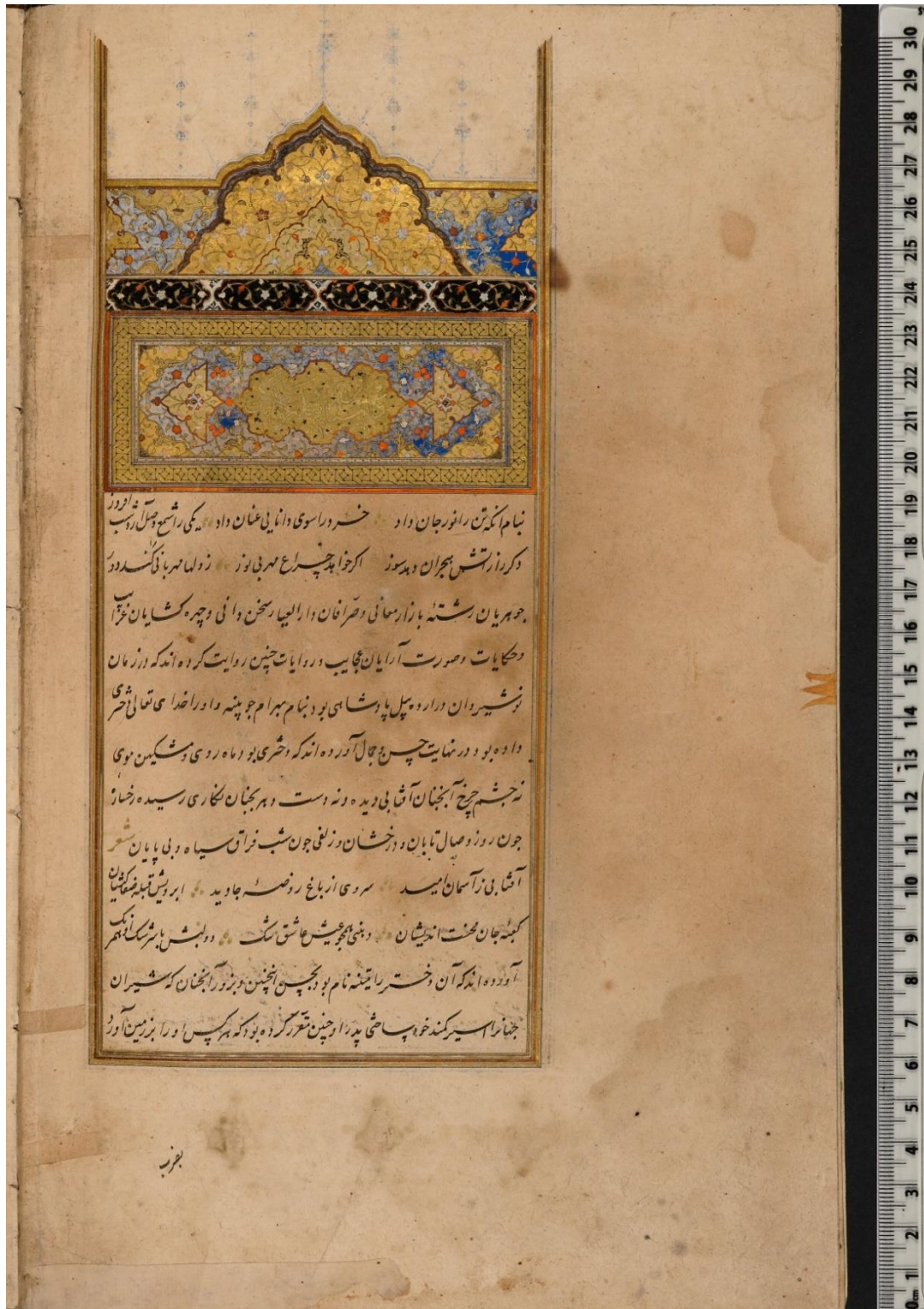
مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها



گ ۴ آ



[گ ۴ ب]